سلام کودکانه

با هم مهربان باشیم

امروز امتحان ریاضی داشتیم. هر چه قدر توی کیفم را نگاه می‌کردم، پاک‌کنم را پیدا نمی‌کردم. امید پرسید: «چی شده؟ دنبال چی می‌گردی؟» گفتم: «پاک‌کنم را جا گذاشتم.» گفت: «اشکالی نداره. نگران نباش. من یک پاک‌کن اضافه دارم» و پاک‌کنش را به من داد. من هم خوشحال شدم و هم خجالت کشیدم، چون دیروز وقتی داشتیم نقاشی می‌کشیدیم، امید از من مداد بنفش خواست اما من به او ندادم و گفتم: «خودم لازم دارم» حالا که فکر می‌کنم می‌توانستم آن موقع قسمت دیگری از نقاشی‌ام را رنگ کنم و مداد بنفشم را برای چند لحظه به امید بدهم. امید چه دوست خوبی است که کار من را تلافی نکرد. سعی می‌کنم از این به بعد مثل امید، مهربان باشم.

ارسال نقاشی، قصه، خاطره، عکس و...
۰۹۳۵۲۴۳۹۴۵۷۶
۳۰۰۰۹۹۹

با من یاد بگیر

آموزش انگلیسی

دوستان خوبم می خوام چند تا لغت رو همراه با شعر بهتون معرفی کنم تا با این لغات ومعادل انگلیسی‌شون آشنا بشین.

Police
پلیس

اون کیه که همیشه
مراقبه حسابی
دزدا روزود می‌گیره
شبا که توی خوابی

Firefighter
آتش‌نشان

می‌جنگه اون با آتیش
تا بشه زودی خاموش
قهرمان مردمه
آتش‌نشان باهوش

Doctor
دکتر

وقتایی که مریضی
درمان دردات میشه
شبیه یه فرشته اس
مهربونه همیشه

سحر بهجو

شعر

گل خوشگلم

تو باغچه خونمون
گل‌های رنگی کاشتم
یه غنچه از اون چیدم
توی اتاق گذاشتم

فردای اون روز دیدم
گل داره پرپر میشه
حال گل خوشگلم
انگاری بدتر میشه

خوب می‌دونم که غنچه
وقتی می‌خواد که وا شه
باید تو خاک گلدون
به روی ساقه باشه

شاعر: مریم زارعی

تصویرسازی‌ها: سعید مرادی

فرفره

صفحه‌ای برای ۵ تا ۱۰ ساله‌ها

روزهای زوج

«زندگی سلام»

شهرقصه

وقتی کلاه‌ها معلم می‌شوند!

اقتباسی از کتاب: کلاه‌های همیلتون، نوشته مارتینه آبورن

۱ دو تا بره کوچک بودند به نام‌های خرمایی و حنایی که با هم دوست بودند. حنایی علاقه زیادی به کلاه داشت. برای همین تا جایی که می‌توانست برای خودش از وسایل مختلف کلاه درست می‌کرد. گاهی از برگ، گاهی از شاخه‌های نازک درخت، گاهی از کاه و گاهی هم حتی از پشم مامانش! اما خرمایی که کلاه دوست نداشت، همه‌اش از کار حنایی ایراد می‌گرفت و می‌گفت: «این کار وقت تلف کردنه!»

۲ یک روز حنایی کلاه خال خالی‌اش را سرش گذاشت تا به مزرعه کنار آبشار برود. در راه چند تا بزغاله بازیگوش از راه رسیدند و کلاه حنایی را برداشتند و شروع به بازی با آن کردند. حنایی دید که تعداد آن‌ها زیاد است و حتی اگر هم بخواهد نمی‌تواند دنبال آن‌ها بدود. پس همان نزدیکی منتظر ماند تا بالاخره بعد از این که برغاله‌ها خسته شدند، رفت و کلاهش را از آن‌ها گرفت. حنایی به کلاهش گفت: «خال خالی تو امروز به من یاد دادی که می‌تونم صبور باشم!»

۳ روز بعد حنایی کلاه قرمزش را سرش گذاشت و این بار راهی تپه پشت مزرعه شد. در راه، عمو اسبی، کلاه او را برداشت و روی سر خودش گذاشت و گفت: «اگه کلاهت رو می‌خوای باید خودت از روی سر من برداری» حنایی قدش از عمو اسبی خیلی کوتاه‌تر بود. برای همین ناچار بود تا آن جایی که می‌تواند بالا بپرد. بعد از چندین و چند بار پریدن، حنایی توانست با یک پرش خیلی بلند کلاه را از روی سر عمو اسبی بردارد. حنایی به کلاهش گفت: «قرمزی تو به من یاد دادی که می‌تونم برای رسیدن به هدفم، بارها و بارها تلاش کنم!»

۴ روز بعد حنایی کلاه پشمی سفیدش را سرش گذاشته بود و با خرمایی برای گردش بیرون رفتند که خانم موشه و هفت بچه‌اش را دیدند که ناراحت هستند. خرمایی پرسید: «چی شده خانم موشه؟» موش گفت: «بچه‌هام وقتی روی زمین می‌خوابند سردشون میشه» حنایی کلاهش را به خانم موشه داد و گفت: «فکر کنم این می‌تونه یه رختخواب گرم برای بچه‌ها باشه» خانم موشه تا کلاه را زمین گذاشت، بچه‌ها دویدند داخلش و خیلی سریع خواب‌شان برد. خرمایی نگاهی به حنایی کرد و گفت: «آفرین! این کلاه نشون داد که تو می‌تونی بخشنده باشی» حنایی هم لبخندی زد و گفت: «آره کلاه‌های من چیزهای مهمی به من یاد داده‌اند؛ این که من می‌تونم صبور، پرتلاش و البته بخشنده باشم!»

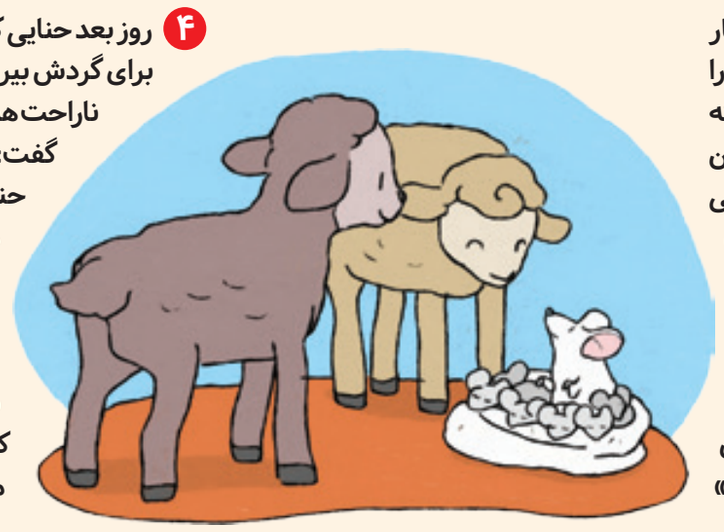

مسافر کوچولو

شهر یاس‌های فراوان

یاسوج شهری زیبا در کنار دامنه قله دنا و در استان کهگیلویه و بویراحمد است.
یاسوج زمستان‌های خیلی سردی دارد و در این فصل برف زیادی در این شهر می‌بارد. بیشتر مردم یاسوج لر هستند و به زبان لری بویراحمدی صحبت می‌کنند.
در این شهر و مناطق اطراف آن، جاهای دیدنی و تفریحی بسیاری مثل آبشار یاسوج، گوشه شاه قاسم، پیست اسکی کاکان، دریاچه کوه گل، امامزاده شاه حسن و پارک ساحلی و... وجود دارد که می‌توانید به همراه خانواده به این مکان‌ها بروید و لذت ببرید.
یاسوج غذاهای محلی لذیذ و خوشمزه‌ای دارد مثل شله ماشکی، آش کارده، پلولیزکی و کله جوشک و... برای سوغاتی می‌توانید از بین صنایع دستی زیبای این منطقه مانند جاجیم، مشته‌بافی، چنته یا گبه انتخاب کنید. راستی آیا می‌دانستید «یاسوج» به معنای محلی است که گل‌های یاس فراوانی در آن می‌روید؟

مرجان ساعدی

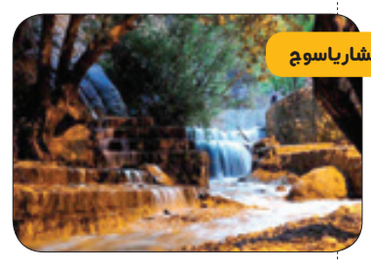

آبشار یاسوج

شله ماشکی

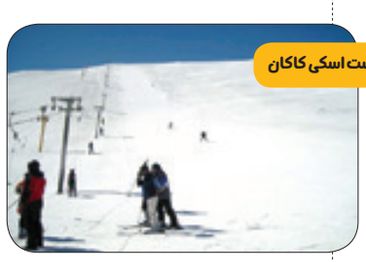

پیست اسکی کاکان

شما فرستادید

سردار، زنده است

با این که چند روز از شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی می‌گذرد هنوز هم بچه‌ها نقاشی‌ها و دل نوشته‌هایشان را برای ما می‌فرستند و این نشان می‌دهد آدم‌های خوب چه قدر دوست داشتنی هستند. یکی از این آثار را تقدیم شما می‌کنیم:

نقاشی و دل نوشته ارسالی از دوست خوب «فرفره»
مریم اسفندیاری ۱۰ ساله

سرگرمی

مارپیچ

دوستان گلم لطفا به این دختر کوچولو کمک کنید تا تخم پرنده را به او برساند.